

مجله زبان و ادبیات فارسی
دانشگاه بجنان و بلوچستان
سال ششم - بهار و تابستان ۱۳۸۷

پرسامدترین روابط مفهومی میان واژگان

دکتر شهلا شریفی* - آرزو مولوی وردنجانی**
استادیار زبان شناسی دانشگاه فردوسی

چکیده
این تحقیق به بررسی روابط مفهومی میان واژگان زبان می پردازد. روابط مفهومی انواع روابطی را تشکیل می دهند که در نظام معنایی زبان میان واژگانی یافت می شوند که چه بسا در ابتدا مستقل از هم به نظر برسند اما در عمل و در حقیقت ارتباط تنگاتنگی میان آن ها وجود دارد. در مورد تعداد این روابط و گستردگی آن ها تحقیقات قابل توجهی انجام شده است. در این تحقیق سعی شده است تا با کمک آزمون روانشناختی تداعی معنایی به تشخیص پرسامدترین روابط مفهومی میان پاراهای واژگان زبان فارسی نائل شویم. نتایج این تحقیق نشان می دهد که روابط سلسله مراتبی (شمول معنایی)، روابط نقشی، تقابل معنایی، یا هم آیی و هم معنایی بیشترین درصد اتراح پیوندهای واژگانی را در میان داده های تحقیق حاضر به خود اختصاص داده اند.

*Email: Sh74sharif@yashoo.com

** Email: molavi_nr@yahoo.com

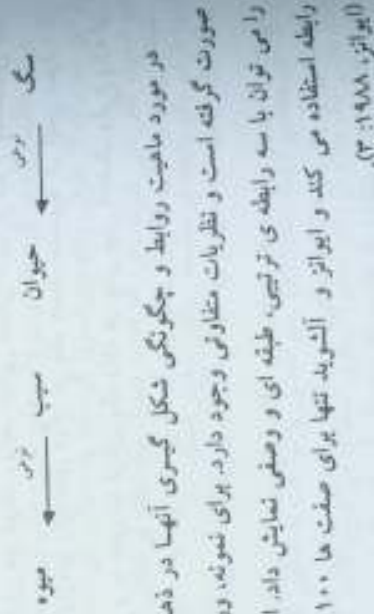
واژگان کلیدی: مفهومی، ذخیره، واژگان ذهنی، آزمون تعدادی معنایی.

مقدمه

واژگان در تمام مسائل زبانی مرکز توجه است، به عبارتی زبان در واژگان شکل می گیرد. همه ی ما دارای ذخیره ی واژگانی ای هستیم که اساس توانایی ما را در برقراری ارتباط تشکیل می دهد. طبیعی است که این ذخیره ی واژگانی باید به گونه ای شکل گرفته باشد که از انعطاف پذیری بالایی برخوردار باشد به گونه ای که واژه های جدیدی را که هر روز یاد می گیریم، در خود جای دهد و از طرف دیگر، جستجو در آن با سرعت بالایی امکان پذیر باشد. (ا. گرای و دیگران، ۱۳۸۰). علاوه بر این، واژگان ذهنی باید این امکان را برای ما فراهم کنند که بر حسب ویژگی های متنوعی به مدخل های واژگانی دست یابیم. در واقع دانش معنایی هر واژه مستلزم آگاهی از رابطه های است که آن واژه با واژه های دیگر در همان حوزه و دیگر حوزه ها دارد. به عبارت دیگر، اساس زبان التزام روابط حاکم بر مفاهیم می باشد. پس درک واژه ها با ارجاع به واژه ها و مفاهیم دیگر و با ارجاع به جهان بیرون ممکن می باشد (225-209-1999: Malrieu). برای درک بهتر این مسأله باید دید که بین دانش انسانی و دانش زبانی که در واقع بخشی از آن است چگونه رابطه ای برقرار است. جهان خارج در قالب مفهوم (concept) و قسبه (proposition) قابلیت لمس می یابد یا درک می شود. یعنی انسان ابتدا جهان یکپارچه را پاره پاره (segmentation) می کند تا از طریق شناخت پاره ها و درک روابط بین آنها می به ماهیت آنها برسد. نتیجه ی این فرایند استنتاج (inference) خواهد بود که به صورت دانش به حافظه سرده می شود. مفهوم دارای یک حوزه ی معنایی است که از قلمرو حاصل شده است. یعنی بخشی از جهان به اعتبار داشتن ویژگی هایی در مقابل عدم وجود آن ها از سایر پاره ها جدا شده است. این ویژگی ها در واقع همان مؤلفه های معنایی یک مفهوم است که برابر معنای یک واژه خواهد بود (جهانگیری، ۱۳۷۸: ۹-۲۲). برخی روانشناسان زبان، واژگان ذهنی را به صورت مجموعه ای از واحد های متشکل در نظر می گیرند که مدخل های متفاوتی در آن ذخیره شده و با هم مرتبط می شوند.

۲- روابط مفهومی (conceptual relations)

ادراک تنها از طریق تجربه مفاهیم حاصل نمی شود، بلکه انسان جهان را از ارتباط بین مفاهیم در قالب قضایا یا گزاره ها نیز استنتاج می کند (جهانگیری، همواره گزاره ای در جهان بیرون به صورت بالقوه رابطه ی میان مفاهیم مورد نظر را می چاند. تعداد این گزاره ها بیشتر باشد به تبع آن تعداد روابط بیشتر خواهد بود، اما فرض است که می توان این روابط را به دسته های محدودی تقسیم کرد. مثلا دو جمله در است، و اسگ یک حیوان است، دو گزاره ی متفاوت را ارائه می دهند اما در هر دو یکسانی بین اسب/ میوه از یک سو و اسگ/ حیوان از سوی دیگر برقرار است. (۱۷۷-۳۳: ۱۳۸۱).

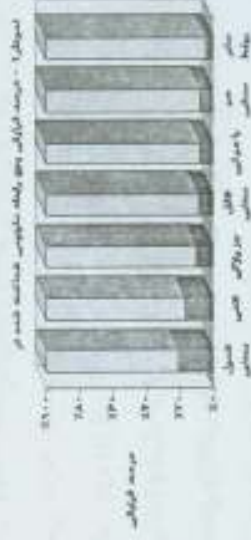


موضوعی روابط واژگانی را متفاوت از روابط معنایی می داند. پدیده های همچو هم معنایی را جزو روابط معنایی می شمارد، و روابط واژگانی را هر نوع رابطه ای می یاند واژه ها برقرار است. بر این اساس روابط صوتی مانند وزن شعری، روابط ساخت تغییرات صرفی و روابط واژی - نحوی جزو روابط واژگانی به شمار می آیند. علاوه اعتقاد دارد روابط معنایی را باید لزوما در قامت مطالعه کرد. برای نمونه متضاد داغ با بالنت گاهی اوقات یخ و گاهی سرد می باشد (5: Murphy, 2003). منابعی که به

علاوه بر این نتایج حاصل از بررسی داده‌ها نشان می‌دهد که روابط (functional) (که در میان شناخته شده ترین روابط مفهومی ذکر می‌شود) از آن‌ها در تمامی معنایی از اهمیت زیادی برخوردارند و بخش قابل توجهی از روابط (مداخله‌ای) واژه‌های این تحقیق را نشان می‌دهند (۲۰,۳۸٪). به عنوان مثال، میوه در (ذکر) نقل، گلبد، دریان، خانه، (شیر) انگشتر، گردنبند، صدف، آب، کرم / مرطوب کننده، ویتامین، پوست، زیبایی، خشکی و لک و ترک و... و... و... یاقت می‌شود تا مثلاً سر / گرد، در / مهوه، کرم / تپو، استوانه ای و مانند آن انواع دیگری از روابط مفهومی (مانند رابطه‌ی مکانی، سببی، ایزاری و واژه‌های تحقیق مشاهده شد که فراوانی آنها به نسبت موارد ذکر شده بسیار

نتیجه

این تحقیق به منظور مشخص کردن پرسامدترین پیوندهای مفهومی فارسی انجام شد. در مطالعات روانشناختی فرض بر این است که با توجه به روابط مفهومی که میان واژگان زبان برقرار است می‌توان رابطه‌ی واژگانی ذخیره آن‌ها را در ذهن مشخص کرد. البته برای پیدا کردن این روابط میان از آزمون‌های روانشناختی استفاده می‌کنند. یکی از این آزمون‌ها آزمون ت که در این تحقیق هم مورد استفاده قرار گرفته است. این آزمون از قدیم زیادی در تحقیقات روانشناسی زبان برخوردار است. در آزمون‌های تمامی واژه‌ای را می‌پند یا می‌خواند، سپس از او خواسته می‌شود اولین واژه خاطر می‌آورد بیان کند. اهمیت این نوع فعالیت ذهنی در این است که اطلاعات مورد نحوه‌ی سازمان‌بندی واژه‌ها در ذهن و روابط میان آن‌ها به دست می‌



چنانکه ملاحظه می‌شود مجموع درصد فراوانی این روابط در میان داده‌های این تحقیق ۵۸,۲۲ می‌باشد که درصد بالایی نیست. در ادامه ما به معرفی دیگر روابط مفهومی که بسن داده‌های تحقیق وجود داشتند، می‌پردازیم و با توجه به مجموع پرسامدترین این روابط را مشخص می‌کنیم.

بررسی بیشتر راه‌های حاصل از آزمون وجود روابط مفهومی دیگری غیر از پنج رابطه‌ی فوق‌الذکر میان واژگان جمع‌آوری شده را نشان داد که اتفاقاً درصد قابل توجهی از داده‌ها را به خود اختصاص داده بودند. از جمله این روابط معنایی، رابطه‌ی با هم‌آیند و رابطه‌ی وصفی (attributive) هستند (رابطه‌ی وصفی به نوعی رابطه‌ی اطلاق می‌شود که توصیفاتی از جمله رنگ، اندازه، و جنس را در برمی‌گیرد، مثل مواردی چون در / چوبی، پست / کوچک، دوز و غیره).

نتایج نشان می‌دهد تعداد قابل ملاحظه‌ای از پاسخ‌های افراد در مواجهه با واژه‌ی هدف، واژه‌های هستند که در رابطه‌ی با هم‌آیند می‌باشند، به این معنی که در زنجیره‌ی هم نشینی معمولاً با هم به کار برده شده و در یافت موقعیتی یکسانی روی محور هم نشینی واقع می‌شوند، مانند در و دیوار، در و پنجره، صندوق پست، در و گوهر، سر و گوش، سر و صدا، کرم خاک، کرم مرطوب کننده و غیره. درصد فراوانی این دو نوع رابطه (با هم‌آیند و وصفی) در این تحقیق به ترتیب ۸۷٪ و ۷۸٪ بود.

- مخفی - فاش، پنهان - عیان، دوست - دشمن / تقابل معنایی،
 راز، بی حس، سرما: چندمعنایی،
 گوش، عینک / جزء واژگی،
 صورت، عینک (چشم)، گوش: زیرشمول،
 ۴-۴ - پیوندهای واژگانی میان واژه های تداعی شده و واژه ی گرم:
 مرطوب کننده، ویتامینه، ضد ترک: زیرشمول،
 گرمی / چندمعنایی،
 موژی، مفید: تقابل معنایی،
 نرم کننده، پوست، گرم پردر، ویتامینه، صابون / نقش،
 ۵-۴ - پیوندهای واژگانی میان واژه های تداعی شده و واژه ی بهره:
 محبت، پاییز، آفتاب، نماز / چندمعنایی،
 محبت، دوستی، مادر / شمول معنایی،
 پاییز، مدرسه، دانش آموز / جزء واژگی،
 نماز / نقش،
 ۶-۴ - پیوندهای واژگانی میان واژه های تداعی شده و واژه ی مد:
 لباس، القبا / چند معنایی،
 رنگ، پارچه، زیبائی، خوش تیپ، نو / هم شمول،
 در نمودار زیر درصد فراوانی پنج رابطه ی مفهومی که از نظر ضلوی شناخته
 روابط مفهومی هستند، با توجه به نتایج داده های این تحقیق مشخص می شود. و
 معنایی و باهم آیی درصد مشابهی از پاسخ ها را به خود اختصاص داده اند.

- ۱-۴ - پیوندهای واژگانی بین واژه های تداعی شده و واژه ی دره:
 خانه / شامل،
 دیوار، پنجره / هم شمول،
 دستگیره، قفل / زیر شمول،
 چارچوب، قفل، دستگیره / جزء واژگی،
 برون، داخل / تقابل معنایی،
 جواهرات / شامل،
 گوهر / هم شمول،
 صدف / جزء واژگی،
 مروارید / هم معنایی،
 ۲-۴ - پیوندهای واژگانی بین واژه های تداعی شده و واژه ی بست:
 بدی / شامل،
 حقیر، فرومایه / هم شمول،
 نامردی، نادانی / جزء واژگی،
 فرومایه، بدی، حقیر / هم معنایی،
 بدی، افتاده / چندمعنایی،
 مرتفع، پایین / تقابل معنایی، تمیز، پاکتانه، پستی، صندوق، زرد / زیرشمول،
 احترام، مرتبه، قدرت، ترس، مقام / جزء واژگی،
 مرتبه / هم معنایی،
 پاکت نامه، مقام / چندمعنایی،
 پاکت، تمیز، صندوق، پستی / نقش،
 ۳-۴ - پیوندهای واژگانی میان واژه های تداعی شده و واژه ی سر:
 سر، راز، عیان، فاش، مخفی، پنهان: هم معنایی،

انتخاب واژه های هم- نویسه در این تحقیق امکان بررسی دقیق تر بعضی روابط معنایی از جمله چند معنایی بوده است.

جدول ۱- پرسامدترین واژه های تداعی شده با واژه های محرک (table)

رده‌ب	پست	در	سر	کرم	مد
۱	نامه	دیوار	مو	نرم کننده	لباس
۲	مغیر	پنجره	راز	کرم خاکی	زیبایی
۳	مقام	درب	صورت	پخشش	نو
۴	پایین	دستگیره	تن	خاک	مغازه
۵	فروماه	دروازه	سرسره	پوست	رایج
۶	پسچهن	خانه	روبری	دست	خوش تپ
۷	صندوق	چوبی	کلاه	سایون	قرآن
۸	مرتفع	قلل	کله	کرم پودر	التیا

آنچه در نگاه اول به داده ها توجه را جلب می کند این مسأله است که ظاهر افراد بیشتر بر تداعی های معنایی میان واژگان متکی است تا پیوندهای صورت آوایی؛ همانطور که مشاهده می شود مواردی مانند: در/ درس، سر/ سرکه، کرم واژه ی تداعی شده تشابه صورتی با واژه ی هدف دارد، در میان داده های جدول می شود از این نکته می شود اینطور نتیجه گرفت که روابط یا پیوندهای معنایی قوی تر از پیوندهای دیگر مبتنی بر شباهت تلفظ یا املا می واژه ها هستند.

در این قسمت به بررسی روابط یافت شده میان واژگان هدف در این تحقیق از گذر این بررسی به پرسامدترین روابط مفهومی میان این واژگان دست پیدا می کنیم که آیا این روابط منطبق بر روابطی هستند که به عنوان شناخته شده ترین روابط میان واژگان معرفی شده اند یا خیر. ابتدا این روابط در مورد تک تک واژه ها مشخص و سپس بر اساس بسامد دسته بندی و ارائه می شوند.

۴-۳- چندمعنایی (polysemy): شرایطی است که در آن یک واحد واژگانی از چند معنای مختلف برخوردار باشد، مثل پُست: ارسال، پُست: مقام.

۵-۳- تقابل معنایی (semantic opposition): اصطلاح تقابل در معنی شناسی عموماً به جای تضاد (antonymy) به کار می رود، زیرا تضاد صرفاً گونه ای از تقابل معنایی است و شامل انواعی چون تقابل مدرج، مکمل، دوسویه، جهت، واژگانی و ضمنی می شود.

۶-۳- جزء وازمی (part- whole): این رابطه ی مفهومی نیز به نوعی سلسله مراتبی است و رابطه ی کل به جزء را میان دو واژه ی مفهوم نشان می دهد. مثلاً ریشه، ساقه و برگ هر کدام بخشی از کسب یک درخت محسوب می شوند (صوفی(همان))؛ (سافروثانیان، ۱۳۶۹: ۱۹۷۷) (Lyons: ۱۹۷۷)

۴- آزمون و نتایج

در این تحقیق برای پیدا کردن روابط مفهومی میان واژه ها از آزمون روانشناختی تداعی معنایی (semantic association task) و واژه های هم- نویسه (homograph) بهره برده شده است. آزمون تداعی واژه یکی از قدیمی ترین شیوه های روانشناسان در مطالعه ی روابط مفهومی است. این آزمون اولین بار توسط فرانسس گالتون، عمو زاده ی چارلز داروین، ابداع شد و روانکاو سوئیسی، گسارل یونگ، نیز در پژوهش های خود از آن بهره برده است (Carroll, 1998: 107). برای انجام این آزمون تعداد ۶ واژه ی هم- نویسه ی مورد نظر به ۳۵ نفر آزمودنی، بین ۳۵-۱۵ سال داده شد و از آن ها خواسته شد تا ۱۰ واژه اولی را که با دیدن کلمه ی مورد نظر به ذهن شان می رسد، یادداشت کنند. سپس ۱۰ واژه از پرسامدترین واژه های به دست آمده از میان ۱۷۵۰ واژه پاسخ های تمام آزمودنی ها برای هر واژه ی محرک مشخص شد و در جدول زیر قرار داده شده اند، پس از آن نتایج حاصل مورد تحلیل قرار گرفت. دلیل

مفهومی محاسب کرده، سعی کردیم در نهایت، پوسامدترین انواع رابطه را با تحقیق حاضر معرفی کنیم. اما قبل از شرح آزمون و بررسی نتایج توضیح مختص روابط فوق داده شده است.

۳- پوسامدترین روابط مفهومی

۱-۳- رابطه‌ی شمول معنایی (hyponymy): رابطه‌ی میان یک مفهوم و شمول آن است. معمولاً برای نشان دادن رابطه میان اعضای یک شمول معنایی واژه‌ی شامل (superordinate)، زیرشمول (hyponym) و هم‌شمول (synonym) می‌کنند.

برای مثال، واژه‌ی گوسفند برای واژه‌های قوچ، میش و بروه واژه‌ی شامل از این سه واژه از طرفی واژه زیرشمول گوسفند به حساب می‌آیند و از طرف هم شمول تلقی می‌شوند، چرا که تحت شمول یک واژه‌ی شامل اند. به این ترتیبها با هم یک رابطه‌ی سلسله مراتبی برقرار است.

۲-۳- هم معنایی (synonymy): هم معنایی یا مترادف، به حالتی گفته می‌شود دادن معنی یک واژه از واژه (های) دیگری استفاده می‌شود. مانند گیتی / جهان؛ این‌ها در زنجیره‌ی گشتار تغییراتی در معنی حاصل نمی‌شود.

۳-۳- هم آوا- هم نویسی (homonymy): این رابطه بین الفاظ مشابه برقرار هیچ رابطه‌ی مفهومی‌ای با یکدیگر ندارند. در سنت مطالعات ادبی، هم آوا- هم معنی جناس تام معرفی می‌شود، که با به صورت واژه‌های با تلفظ یکسان در واژه‌های یا نویسه‌ی مشابه مانند کریم و کریم ظاهر می‌شود.

می‌توان از آنها در مطالعه‌ی روابط معنایی استفاده کرد. شامل شم زبانی سخنگو در مورد روابط معنایی، مطالعات پیکره‌ای در مورد واژه‌های مرتبط، فرهنگ‌های لغت و رابطه‌نامه‌ها، آزمایش مدل‌های رایانه‌ای دانش واژگانی، آزمایش‌های روانشناختی زبان که در صدد مشخص کردن ساختار واژگانی و معنایی ذهن می‌باشند. آزمایش‌های تداعی واژگانی و داده‌هایی که از زبان آموزی به دست می‌آید، داده‌هایی که از خطاهای زبانی و زبان‌پریشی‌ها به دست می‌آیند و تحلیل‌های گفتگویی که بر اساس روابط معنایی است، می‌شود (9: same). برخی محققین همچون لایتز روابط معنایی را روابط میان مفاهیم می‌دانند و از این رو از آنها به روابط مفهومی یاد می‌کنند. به طور کلی بیشترین تعداد روابط مفهومی از نوع چاشینی می‌باشند. بدین معنا که این روابط میان واژه‌هایی است که در یک جمله می‌توانند جایگاه‌های یکسانی را اشغال کنند و یا در بافت‌های خاص جایگزین هم شوند. روابط معنایی ممکن است از نوع همشینی نیز باشند، یعنی رابطه‌ی میان یک واژه و واژه‌های دیگر در یک جمله معمولاً در این موارد از اصطلاح هم‌آویی استفاده می‌شود و به صورت توانایی یک واژه در پیش‌بینی احتمال وقوع واژه‌ای دیگر تعریف می‌شود. برای نمونه هم آویی نان با پتیر بیشتر از نان و قلمب مسی باشد. شایان ذکر است که روابط چاشینی و همشینی از یکدیگر تأثیر می‌پذیرند. به ویژه رابطه‌ی همشینی تحت تأثیر رابطه‌ی چاشینی است. برای مثال، رابطه نزدیک نان و پتیر در محور همشینی متأثر از رابطه‌ی نزدیک این دو در محور چاشینی می‌باشد: مثلاً هر دو خوراکی هستند. درصحنه‌خورده می‌شوند و الی آخر (جکسون و آمولا، ۲۰۰۰: ۳۰-۱۵). کرول (به نقل از میلر) پوسامدترین روابط مفهومی میان واژگان را بر اساس پژوهشی که

کرنت و رزانتف (۱۹۱۰) انجام داده بودند، شامل روابط حوزه‌ای (taxonomic)، وصفی، جزوه‌واژگی و نقش معرفی می‌کند (107: 1998: Carroll).
صفوی شناخته شده ترین روابط مفهومی میان واژه‌ها را شمول معنایی، هم معنایی، هم آوا هم نویسی، چند معنایی، تقابلی معنایی و جزوه واژگی می‌داند (صفوی، ۱۳۸۳: ۱۲۰-۹۷). ما نیز در تحلیل داده‌ها این روابط را مدنظر داشته و فراوانی آنها را در بین انواع روابط

منابع

۱- آ. گراودی، ویلیام، دایروولسکی، مایکل، آرتف، ساری، (۱۳۸۰) درآمدی بر زیانشناسی معاصر، ترجمه علی دزوی، تهران: انتشارات سمت.

۲- اینانلو، علی (۱۳۸۴) توصیف و بررسی شبکه معنایی واژگان فارسی، پایان نامه کارشناسی ارشد، (مستتر نشده)، دانشکده ادبیات و علوم انسانی دکتر علی شریعتی، دانشگاه فردوسی مشهد.

۳- جهانگیری، نادر (۱۳۷۸)، نوانش زبانی بازتاب زمان، فرهنگ و اندیشه، تهران: نشر آگاه.

۴- ساغروالیان، میده حلیل (۱۳۶۹) فرهنگ اصطلاحات توصیف زیانشناسی، تهران: نشر نما.

۵- صفوی، کوروش (۱۳۸۳) درآمدی بر معنی شناسی، تهران: انتشارات سوره مهر.

6-Babu, U., (2004), **Lexicon and Related Processes: A Connectionist Model using Concepts**, Indian Institute of Technology Dissertation.

7-Carroll, D. W., (1999), **Psycholinguistics**, Brooks/Cole Publishing Company, U.S.A.

Coltheart, M., Davelaar, E., Jonasson, J. T., Benser, D., (1977), Access to the Internal Lexicon, VI, 375-407.

8-Evens, M. W., (1988), **Relational Models of the Lexicon**, Cambridge University Press.

9-Field, J., (2003), **Psycholinguistics**, Routledge, London.

10-Garman, M., (1990), **Psycholinguistics**, Cambridge, New York.

11-Harley, T. A., (2001), **the Psychology of Language from Data to Theory**, Psychology Press Ltd, U.S.A. and Canada.

12-Lyons, J. (1977), **Semantics**, Vol 2, Cambridge University Press.

13-Malrieu, J. P., (1999), **Evaluative Semantics Language, Cognition and Ideology**, Rutledge, London and New York.

14-Murphy, G. L., (2003), **Ecological Validity and the Study of Concepts**, In B. H. Ross (Ed.), **The Psychology of Learning and Motivation**, Vol. 43 (pp. 1-41), American Press, San Diego.

15-Vigliocco, G. & Vinson, D. P., (2005), "Semantic Representation", In G. Gaskell (ed.) **Handbook of Psycholinguistics**, Oxford: Oxford University.